

درهمایش ملی تبیین ظرفیت‌های تمدنی اربعین

**پناهیان: چه کسی می‌تواند بگوید که تجمع اربعین، علامت نزدیک شدن ظهور نیست؟/ چرا ثواب زیارت حسین(ع) با ثواب شهادت مقایسه شده؟/ مهمترین کارکرد اجتماعی شهادت، ایجاد امنیت و اقتدار برای امت اسلامی است/ تا وقتی «اجتماع من القلوب» نباشد سایر عوامل سعادت یک ملت، کارایی ندارند/ اجتماع قلوب در کنار کربلای امام حسین(ع) عامل سعادت این ملت است/ اربعین موقع جمع‌آوری پول برای حل مشکلات دیگر مملکت نیست!+ صوت**

حجت الاسلام پناهیان: اجتماع قلوب، در کنار کربلای امام حسین(ع) عامل سعادت این ملت در همه ابعاد است، اما بسیاری از نخبگان و مسئولین جامعه ما این حرف را شوخی می‌گیرند! اگر مسئولین جامعه در ابعاد مختلف فرهنگی و اقتصادی و... این عامل را جدی می‌گرفتند، الان مسیر راه آهن را در سه چهار شاخه، بین ایران و عراق، درست کرده بودند، چرا میلیون‌ها نفر از ایران اسلامی به سهولت در این سفر نروند و نیایند؟!

حجت الاسلام پناهیان در همایش ملی ظرفیت‌های تمدنی اربعین که در محل حوزه هنری برگزار شد به تبیین آثار تمدنی زیارت اربعین و نقش آن در سعادت یک ملت پرداخت. در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

**روایت «زیارت اربعین» مثل جرقه‌ای بود که به انبار انرژی‌های متراکم مؤمنین اصابت کرد**

- شما در باب اهمیت زیارت امام حسین(ع) روایات زیادی را از ائمه هدی(ع) شنیده‌اید. در میان همه این روایات‌ها که انرژی متراکمی را در امت اسلامی ایجاد می‌کنند، روایت زیارت اربعین(عَلَمَاتُ الْمُؤْمِنِينَ... وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ؛ تهذیب الاحکام/۵۲/۶) مانند جرقه‌ای بود که گویی به یک انباری از این انرژی‌های متراکم اصابت کرد و در زمانی که مؤمنین راه حسین(ع) قدرت دفاع از خودشان را دارند، منجر به تجلی زیارت اربعین شد.
- برای اینکه آن انبار مهمات یا آن انرژی متراکم برآمده از روایات و سفارشات اولیاء خدا برای زیارت امام حسین(ع) را بهتر بشناسیم، بنده دو روایت از میان این روایات را برای شما قرائت می‌کنم. شاید اگر این روایت سال‌های پیش بیان می‌شد، یک‌مقدار مبالغه‌آمیز تلقی می‌شد. ولی الان باتوجه به اینکه زیارت اربعین دیگر نیازی به تبلیغات ندارد و قدرت حماسه اربعین، آثار بابرکت خودش را به نمایش گذاشته، دیگر کسی تصور نمی‌کند که این روایات را در باب تبلیغ اربعین یا تحریک مردم به حضور در پیاده‌روی اربعین یا حتی برای تبلیغ کردن زیارت امام حسین(ع) قرائت می‌کنیم.

**فضیلت زیارت امام حسین(ع) بالاتر است یا شهادت؟/ امام صادق(ع): زائر حسین(ع) می‌تواند به مقامی برسد که شهید راه خدا نمی‌تواند به آن مقام برسد**

- امام صادق(ع) می‌فرماید: «زیارت امام حسین(ع) بافضیلت‌ترین عملی است که انسان می‌تواند انجام دهد؛ إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَ أَفْضَلَ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ»(کامل‌الزیارات/۱۴۷) و در روایات دیگری این مضمون آمده است که بالای هر کار خوبی، یک کار خوبی هست، تا زمانی که فرد در راه خدا به شهادت برسد(فَوَقَّ كُلُّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کافی/۳۴۸/۲) حالا این سؤال پیش می‌آید که فضیلت زیارت امام حسین(ع) بالاتر است یا شهادت؟
- امام صادق(ع) می‌فرماید: «وقتی زائر به زیارت حسین(ع) پرداخت، هنگام بازگشت، هیچ گناهی بر او باقی نمی‌ماند، و او به مقامی می‌رسد که کسی که در راه خدا به خون خود آغشته شده، به آن مقام نمی‌رسد؛ يَنْصَرِفُ وَ مَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَ قَدْ رَفَعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا

**لَا يَنَالُهُ الْمُسَخَّطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»(کامل‌الزیارات/۳۹۸)** پس طبق این روایت، کسی که به زیارت امام حسین(ع) برود، می‌تواند به مقامی برسد که شهید در راه خدا نمی‌تواند به آن مقام برسد؛ این ظرفیت معنوی زیارت امام حسین(ع) است.

**امام باقر(ع): کسی که با شوق به زیارت حسین(ع) برود، اجر هزار شهید از شهدای بدر را برایش می‌نویسند**

- امام باقر(ع) می‌فرماید: «اگر مردم می‌دانستند که در زیارت امام حسین(ع) چه فضیلت‌ها و ارزش‌هایی هست، از شوق، جان می‌دادند و از شدت حسرت(از اینکه به زیارت نرفته‌اند) قالب تهی می‌کردند؛ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ»(کامل‌الزیارات/۱۴۲) از حضرت پرسیدند: در این زیارت چه فضیلت‌هایی هست؟ حضرت فرمود: «کسی که با شوق به زیارت حسین(ع) برود، هزار حج قبول شده و هزار عمرهٔ پرارزش را برایش می‌نویسند و اجر هزار شهید از شهدای بدر را برایش می‌نویسند؛ مَنْ آتَاهُ تَشَوُّقًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مُبْرُورَةٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ»(همان) شما می‌دانید که تعداد شهدای بدر بسیار کم است؛ ولی اجرشان خیلی بالاست، چون در ایمان به رسول خدا(ص) سبقت گرفته بودند و در اوج غربت اسلام، به دفاع از اسلام پرداخته بودند.
- امام صادق(ع) می‌فرماید: «برای شما که پیاده به سمت کربلا می‌روید، هر قدمی که برمی‌دارید و می‌گذارید، بابت هر قدم، ثواب یک شهید که در راه خدا به خون خود آغشته شده، عنایت خواهد شد؛ فَلِكِ بِكُلِّ قَدَمٍ رَفَعْتَهَا أَوْ وَضَعْتَهَا كَثْرَابٌ مِنَ الْمُسَخَّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»(کامل‌الزیارات/۲۰۷)

**چرا در روایات، ثواب زیارت حسین(ع) با ثواب شهادت مقایسه شده؟/ مهمترین کارکرد اجتماعی شهادت، ایجاد امنیت و اقتدار برای امت اسلامی است**

- **حالا چرا باید ثواب زیارت امام حسین(ع) با ثواب شهادت، مقایسه شود؟ این موضوع، خیلی قابل تأمل است. نباید از کنار چنین روایاتی ساده عبور کرد.**
- **مهمترین کارکرد اجتماعی شهادت، ایجاد امنیت برای امت اسلامی و ایجاد اقتدار برای جامعهٔ دینی است. از سوی دیگر، حضرت امام(ره) می‌فرماید: «انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکند فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا... این مجلسها مردم را همچو مجتمع می‌کنند... این جنبهٔ سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه‌های دیگری که هست. بیخود نمی‌گویند ائمه ما به اینکه هر کسی که بگرید، بگریاند یا صورت گریه کردن به خودش بگیرد اجرش فلان فلان است. مسئله، مسئله گریه نیست. مسئله، مسئلهٔ تباکی نیست. مسئله، مسئلهٔ سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند از راه‌های مختلف. اینها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند»(صحیفه امام/۱۳/۳۲۳)**

## امام(ره): یکپارچگی ملت‌ها، جلوی آسیب‌پذیری آنها را می‌گیرد/ این یکپارچگی را هیچ‌کسی مثل حسین(ع) نمی‌تواند ایجاد کند

- همچنین حضرت امام می‌فرماید: «همین گریه‌هاست که کارها را پیش برده، همین اجتماعات است که مردم را بیدار می‌کند» (همان، ص ۳۲۸) طبق فرمایش امام، یکپارچگی ملت‌ها، جلوی آسیب دیدن آنها را می‌گیرد و این یکپارچگی را هیچ‌کسی مثل امام حسین(ع) نمی‌تواند ایجاد کند.
- حضرت امام در جای دیگری می‌فرماید: «این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصه کربلا هست، این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا. و بزرگترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متحد می‌شوند. اگر خوب راهش ببریم، ما برای این هماهنگی پیروز هستیم. و قدر این‌را باید بدانیم» (صحیفه امام/ ۹۹/۱۱) حضرت امام(ره) ظرفیت عزاداری امام حسین(ع) را به‌خوبی می‌دیدند. آن وقتی امام می‌فرماید «این اجتماعات، بزرگترین امر سیاسی در دنیا است» هنوز خبری از این تظاهرات ۲۰ میلیونی اربعین نبود، و امام، این صدها میلیون غذایی که بین زائرین اربعین توزیع می‌شود را ندیده بودند.

### امت اسلامی برای نفس کشیدن خودش نیاز به اقتدار و امنیت دارد

- ما هر کاری بخواهیم انجام دهیم، نیاز به قدرت داریم؛ نیاز به اقتدار امت اسلامی داریم. امت اسلامی قبل از اینکه بخواهد فرهنگ‌سازی کند، نیاز به اقتدار دارد، قبل از اینکه بخواهد اقتصاد خودش را سامان دهد، نیاز به اقتدار دارد، قبل از اینکه بخواهد تمدن عظیمی را پی‌ریزی کند، نیاز به اقتدار دارد، نمی‌شود این امت در اوج ضعف بنشیند و برای یک تمدن عظیم، اندیشه کند یا بخواهد مقدمات یک تمدن عظیم را فراهم کند.
- امت اسلامی برای نفس کشیدن خودش نیاز به اقتدار و امنیت دارد، و شما الان در این منطقه مشاهده می‌کنید که چه وضعیتی وجود دارد!

### «اقتدار پایدار» جز با حضور مردم؛ آن‌هم با قلب‌های متحد، تحقق پیدا نمی‌کند

- خُب امت اسلامی این اقتدار و امنیت را از کجا باید به‌دست بیاورد؟ بهترین نوع اقتدار و اساساً اقتدار پایدار، جز با حضور مردم؛ آن‌هم با قلب‌های متحد، تحقق پیدا نمی‌کند. حکومت‌ها هرچقدر هم مقتدر باشند، بدون مردم برای تأمین امنیت، کاری از پیش نمی‌برند؛ چه امنیت داخلی و چه امنیت خارجی(لبِ مرزها) بدون مردم امکان ندارد. و مردم هم اگر بخواهند وارد صحنه شوند، بدون اتحاد قلبی امکان ندارد.
- این مطلب را حضرت ولی عصر(عج) بسیار حکیمانه بیان فرموده‌اند و برای ظهور خودشان، چنین مقدمه‌ای را لازم دانسته‌اند. حضرت می‌فرماید: «اگر شیعیان ما- که خدا آنها را بر طاعت خودش موفق بدارد- با هم جمع شوند و قلب‌های‌شان را با هم متحد کنند برای اینکه آن عهدی که با ما دارند وفا کنند، دیگر مژده ملاقات ما به تأخیر نخواهد افتاد و دیدار ما برای آنها سرعت خواهد گرفت؛ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَهْمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْمَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا» (احتجاج/ ۴۹۹/۲)

## چه کسی می‌تواند بگوید که تجمع اربعین، علامت نزدیک شدن ظهور نیست؟

- چه کسی می‌تواند بگوید که تجمع اربعین، علامت نزدیک شدن ظهور نیست؟ چه کسی می‌تواند چنین تصور کند؟ خداوند از ما انتظار فراوان ندارد؛ البته ما کاستی‌های فراوانی داریم که باید درست کنیم ولی خدا خودش باید کمک کند. اما شرط کمک خدا چیست؟ شرط اینکه خدا کارهای ما را سامان دهد و مساعدت خدا به ما برسد چیست؟ شرطش این است که ما بتوانیم این «اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ» را برای وفای به آن عهد، انجام دهیم، و شما در اربعین دقیقاً همین را می‌بینید.
- تجمع مردم در اربعین با تجمع مردم در مترو فرق می‌کند! آنجا همه یک‌دل هستند، همه یک‌چیز می‌خواهند. هر کدام از آنها نمی‌خواهد منفعتی برای خودش بگیرد و برود. همه برای یک نفر و یک جریان، در آنجا جمع می‌شوند. در زیارت اربعین می‌گویند: «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ» (تهذیب‌الاحکام/ ۱۱۴/۶) یعنی نصرت و یاری من برای شما آماده است.

### راه‌های سعادت ملت‌ها چیست؟

- شما راه‌های سعادت یک ملت، راه‌های سعادت ملت‌ها و کل بشریت را-به‌طور مختصر- بشمارید؛ مثلاً اینکه نخبگان ملت باید افراد فهیمی باشند و طالب سعادت مردم باشند. یا اینکه نخبگان باید اهل اقدام باشند و انگیزه نجات امت خودشان را داشته باشند. توده مردم هم باید بفهمند و انگیزه اقدام داشته باشند. توده مردم-جدای از فهم- باید از فرهنگ بالایی هم برخوردار باشند تا این فرهنگ صحیح، انگیزه عمل را در مردم ایجاد کند و آن‌را هدایت کند.
- علاوه بر موارد فوق، «برنامه خوب» هم لازم است. یک برنامه خوب اگر نباشد، نخبگان و توده‌ها، هر دو درجا خواهند زد و به موفقیت نخواهند رسید. علاوه بر اینها، موقعیت مناسب هم باید فراهم باشد، امکانات لازم هم باید باشد. علاوه بر اینها شما می‌توانید عوامل دیگری را هم به‌عنوان عوامل تضمین‌کننده سعادت یک ملت، برشمرید.

### تا وقتی «اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ» نباشد سایر عوامل سعادت یک ملت، کارایی ندارند

- همه عوامل فوق هم اگر باشد، تا وقتی «اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ» نباشد، آیا این عوامل کارایی دارند؟! چرا ما هزاران حرف خوب را با هم یکسان می‌دانیم و برتری یک حرف خوب را نسبت به حرف‌های خوب دیگر، در نظر نمی‌گیریم؟ چرا ملت‌ها را در میان حرف‌های خوب متعدد، سرگردان می‌کنیم تا از همه حرف‌های خوب، دل‌زده بشوند؟
- مهمترین عاملی که یک ملت را بدبخت می‌کند و به خاک سیاه می‌نشانند، راه‌های باطلی که آنها طی می‌کنند، نیست، بلکه فراوانی سخنان حقی است که مردم ترجیح این سخنان حق را بر یکدیگر، تشخیص ندهند.

### سَمّ مهلک برای یک انسان یا جامعه عدم تشخیص برتری یک خیر بر یک خیر دیگر است

- سَمّ مهلک برای یک انسان و یک جامعه این است که برتری دو خیر، یا برتری دو حق نسبت به همدیگر تشخیص داده نشود. کم‌اینکه در روایت فرمود: «لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ» (میزان‌الحکمه/ ج ۱۳۶۰۲)
- آن چیزی که دارد موجب بدبختی افراد در جامعه ما می‌شود و موجب بدبختی یک جامعه می‌شود و در جامعه ما موجب آسیب‌های فراوان شده، حرف غلط نیست، بلکه عدم تشخیص برتری یک حرف صحیح بر حرف صحیح دیگری است که از نظر رتبه و ارزش، ذیل آن قرار می‌گیرد. اما بنده همین الان اگر بخواهم-برای مطلب فوق- مثالی بزنم، حتماً هجمه‌های فراوانی از این سوی و آن سوی، از جانب کسانی که اهل تشخیص اولویت‌ها نیستند، آغاز خواهد شد.

عاملی که موجب نزدیک شدن ظهور می‌شود «اجتماع قلوب برای وفای به عهد» است / «اجتماع قلوب» را به‌سختی می‌توان به‌دست آورد

• من از شما سؤال می‌کنم: در بین عوامل سعادت یک ملت، کدام یک از عوامل کلیدی‌تر هستند؟ کدام یک از عوامل را به سختی می‌شود فراهم کرد؟ کدام یک از عوامل، عامل فراهم آوردن دیگر عوامل است؟ همان‌طور که امام زمان (ع) فرمود؛ آن عاملی که موجب نزدیک شدن ظهور می‌شود «اجتماع قلوب برای وفای به عهد» است. این عامل مهم‌تر از دیگر عوامل است؛ آورنده دیگر عوامل است، تقویت‌کننده دیگر عوامل است، مؤثر قراردنده دیگر عوامل است، و دیگر عوامل، بدون این عامل، کارایی ندارند، و هیچ عامل دیگری، کارایی این عامل را ندارد. و البته این عامل به سختی می‌تواند به‌دست بیاید.

«اجتماع قلوب» یک حسین شهید در میان یک امت می‌خواهد که مزارش محل اجتماع دل‌ها باشد

• شما این عامل را به این سادگی نمی‌توانید در بین نمازخوان‌های یک مسجد پیدا کنید؛ «اجتماع قلوب» به‌واسطه نماز خواندن، به این سهولت به‌دست نمی‌آید. «اجتماع قلوب» به‌واسطه قرآن خواندن یک گروه در کنار یکدیگر به‌سهولت به‌دست نمی‌آید. «اجتماع قلوب» یک حسین شهید در میان یک امت می‌خواهد که مزار او محل اجتماع دل‌ها باشد و زیارت‌نامه‌ای که در اوج آن بگویند: «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ» من برای کمک کردن به شما آماده‌ام» در این صورت است که «اجتماع قلوب» تحقق پیدا می‌کند.

اجتماع قلوب در کنار کربلای حسین (ع) عامل سعادت این ملت است / بسیاری از نخبگان و مسئولین جامعه ما این حرف را شوخی می‌گیرند

• اگر ما این موضوع را جدی می‌گرفتیم، و مسئولین فرهنگی و اقتصادی جامعه- و مسئولین جامعه در ابعاد مختلف- این عامل را جدی می‌گرفتند، الان مسیر راه آهن را در سه چهار شاخه، بین ایران و عراق، هموار کرده بودند، و مسیر رفت و آمد پیاده مردم برای میعادگاه اربعین را در اطراف کربلا، در ده‌ها جاده مخصوص پیاده‌روی، هموار کرده بودند، که چرا میلیون‌ها نفر از ایران اسلامی به‌سهولت در این سفر نروند و نیایند؟ مگر این سفر، یک سفر توریستی است؟!

• بسیاری از نخبگان و مسئولین جامعه ما این حرف را شوخی می‌گیرند که اجتماع قلوب، در کنار کربلای امام حسین (ع)- که جای دیگری به این سهولت قابل تحقق نیست- عامل سعادت این ملت در همه ابعاد است. ولی این حرف را شوخی می‌گیرند!

• به شما اطمینان می‌دهم که بسیاری از نخبگان ما، به قدر کافی درباره همین احادیث- که پاداش زائر حسین (ع) را در حد شهادت اعلام می‌فرماید- ذره‌ای اندیشه نکرده‌اند، و یا اگر اندیشیده‌اند، اندیشه آنها به جایی نرسیده است. اینها را شوخی می‌پندارند! البته همه احترام ائمه هدی (ع) را حفظ می‌کنند، ولی اگر بسیاری از این افراد، مقابل این کلام امام صادق (ع) می‌نشستند، حتماً جزء استهزاء‌کنندگان اولیاء خدا قرار

می‌گرفتند! چه کسانی اولیاء خدا را مسخره می‌کنند؟ کسانی که عقل‌شان به عمق کلام اولیاء خدا نمی‌رسد، لذا مسخره می‌کنند.

آیا مسئولان اجرهای معنوی ویژه زیارت حسین (ع) را باور می‌کنند؟ / این اجراها چه تأثیری در سرنوشت یک ملت دارد؟

• من از مسئولین جامعه، از نخبگان و کسانی که کار در دستشان هست، تقاضا می‌کنم که از خودشان سؤال کنند: آیا این اجرهای معنوی بسیار بالایی که برای زیارت امام حسین (ع) و برای پیاده رفتن به این زیارت- در روایات بیان شده را باور می‌کنند یا نه؟ اگر باور می‌کنند، بگویند که وقتی اجری معادل اجر شهادت برای هر قدم زائر پیاده کربلا گذاشته‌اند، این چه تأثیری در سرنوشت یک ملت دارد؟ اگر این‌را می‌دانند، امکانات بیشتری برای رفتن مردم به این زیارت، فراهم کنند.

اربعین موقع جمع‌آوری پول برای حل مشکلات دیگر مملکت نیست! / برکات این سفر هزاران گرفتاری دیگر را حل می‌کند

• اربعین موقع جمع‌آوری پول برای حل مشکلات دیگر مملکت نیست. مسئولین نباید اربعین را فرصتی تلقی کنند برای اینکه به‌طور مستقیم بخواهند عوارضی دریافت کنند؛ برای حل دیگر مشکلات! اربعین زمانی است که دولت و دلمردان، اگر دانایی به‌خرج بدهند، باید برای حضور مردم یارانه پرداخت کنند. بگذارند مردم، در این سفر ساده‌تر از هر سفر دیگری، حضور پیدا کنند. نور و معرفت و برکت، از این سفر به ارمغان بیاورند و- در نتیجه آن- هزاران گرفتاری دیگر، در مملکت برطرف شود.

یک زمان و مکان را به اندیشمندان جامعه پیشنهاد می‌کنم تا درباره آثار محبت و زیارت حسین (ع) ببینند

• آیا واقفاً زیارت اربعین، با حضور میلیونی مردم، گرفتاری‌های دیگر را برطرف می‌کند؟ اگر برطرف نمی‌کند، چرا ائمه هدی (ع) اجری معادل اجر شهادت برای هر قدم آن، اعلام کرده‌اند؟ آیا اینها جای اندیشیدن ندارد؟

• فکر می‌کنم ما هنوز نیاز داریم به اینکه درباره امام حسین (ع) و آثار شهادت او و محبت به او و زیارت مرقد منور او، اندیشه کنیم. بنده یک زمان و مکانی را به اندیشمندان جامعه پیشنهاد می‌کنم که درباره این موضوع ببینند؛ در سه روز پیاده‌روی به سوی کربلا، فرصت اندیشیدن در این باره هست. این مکان، بهترین مکان برای اندیشیدن است. در میان ناله‌ها و شور زائرین، در مسیر پیاده‌روی اربعین، بهترین فرصت‌ها برای اندیشیدن پدید می‌آید که در هیچ‌جای دیگری، این همه تعقل و تفکر، امکان‌پذیر نیست.

درک برخی از معجزه‌ها، نیاز به اندیشه دارد / معجزات دین ما برای خواص و اهل اندیشه است / الان بزرگ‌ترین معجزه، معجزه قلب‌هایی است که متأثر از حماسه عاشورا هستند

• ما متدینین، گاهی به معجزه هم معتقدیم؛ معجزات زیادی در اطراف ما رخ می‌دهد، مثل معجزه‌ای که در دل‌های تک تک ما- در جریان سوگواری و عزادار بودن برای امام حسین (ع)- اتفاق افتاده است که دین و درک این معجزه‌ها نیاز به اندیشه دارد. ممکن است فکر کنید که خیلی از معجزه‌ها برای عوام است؛ بله در قدیم، خیلی از معجزه‌ها برای عوام بود؛ مثل زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع). اما معجزات دین ما برای خواص و اهل اندیشه است. مثلاً اگر کسی اهل اندیشه نباشد، فرق بین قرآن و دیوان حافظ و مولوی را چطور می‌خواهد بفهمد؟! او می‌گوید: همه اینها حرف‌های خوبی زده‌اند!

• درک برخی از معجزه‌ها، کارِ هوشمندان جامعه است. متأثر شدن از برخی معجزه‌ها، نیاز به تفکر و تعقل دارد، و بزرگ‌ترین معجزه‌ای که الان در دین ما وجود دارد، معجزه قلب‌هایی است که متأثر از حماسه عاشورا هستند؛ آن‌هم بعد از ۱۴۰۰ سال! اگر پدری بخواهد برای دختر سه‌ساله خودش گریه کند و خدا به این پدر، عمر حضرت نوح را بدهد، بعد از چند سال اشک او-برای فرزندش- خشک خواهد شد و بیشتر نمی‌تواند گریه کند.

• این مردمی که نه هیچ‌کدام پدر یا برادر یا خواهر امام حسین(ع) بوده‌اند، چرا دست از گریه کردن برای او بر نمی‌دارند و دست خودشان هم نیست؟ آیا این معجزه نیست؟ ما اگر در کنار حضرت موسی(ع) بودیم و او با عصای خودش رود نیل را می‌شکافت، می‌گفتیم: یک معجزه الهی دیده‌ایم! ولی آیا رود نیل مهمتر است یا قلب آدم‌ها؟ امام صادق(ع) می‌فرماید: کوه‌ها راحت‌تر جابه‌جا می‌شوند تا قلب انسان! (إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَوْحُونَ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنْ مَوْصِيهِ؛ تحف العقول/۳۵۸)

### هیچ اندیشمندی نمی‌تواند بگوید: این مردم را فریب داده‌اند که به پیاده‌روی اربعین می‌روند!

• الان شما در معرض دیدن چیزی بالاتر از شکافته شدن رود نیل هستید. این معجزه‌ها خرافات نیست. از اندیشمندان عالم پرسید: «چگونه این‌طوری شده؟» هیچ اندیشمندی نمی‌تواند بگوید: «با تبلیغات این‌طوری شده است!» خُب اگر با تبلیغات این‌طوری شده، چرا آنهایی که تمام ابزار تبلیغات در دستشان هست، نمی‌توانند یک نمونه‌ای مشابه این درست کنند؟ آیا می‌توانند تبلیغات کنند و مردم را برای موضوع دیگری این‌طور بگریانند؟!

• اگر این مردم را فریب داده‌اند که به پیاده‌روی اربعین رفته‌اند، خُب شما گروه دیگری را-در جای دیگری از دنیا- فریب دهید و ببرید، شما که اگر بتوانید حتماً این کار را انجام می‌دهید! اگر این مردم فریب خورده‌اند و به اجر اخروی-به‌صورت خرافی- امیدوار شده‌اند و آمده‌اند صدها میلیون غذای زائران را تأمین می‌کنند، خُب شما هم در یک مکتب و مسلک دیگری، مردم را فریب دهید که بیایند و مثلاً ده‌ها میلیون غذا بدهند و اشک بریزند و از عزاداران منت بکشند که غذای آنها را تناول کنند!

### همان‌طور که قرآن معجزه است، در بخش عترت هم امام حسین(ع) معجزه است

• شما که با «الله اکبر» گفتن، چنین تروریست‌هایی در منطقه درست کرده‌اید، اگر می‌توانید این کار را هم انجام دهید و مردم را بفریبید و آنها را عاشقانه دور مزار یک کسی، جمع کنید! ولی این کار واقعاً در جای دیگر، شدنی نیست! اینجا است که این معجزه بزرگ دین ما در بخش عترت، خودش را نشان می‌دهد؛ همان‌طوری که قرآن معجزه است، در بخش عترت هم امام حسین(ع) معجزه بزرگ است.

